

بررسی آزادی در حقوق بین‌الملل و اسلام با رویکردی بر اندیشه امام خمینی (ره)

سکینه اوجاقتی^۱، احمدعلی قانع^۲

چکیده

آزادی واژه مقدسی است که ذهن انسان از نخستین روز آفرینش با آن آشنایی دارد. اصولاً زندگی باید با آزادی همراه باشد. زندگی بدون آزادی، زیبایی، جاذبه و امیدآفرینی ندارد، مفهوم آزادی، همان رهایی از قیدوبندهای ناروا با کاربردهای گوناگون است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی قصد دارد گستره آزادی را در تئوری و عمل به چالش کشیده و چشم‌انداز دو تمدن غرب و اسلام را در این مقوله در ترازوی نقد بسنجد. برای این امر درصدد پاسخ به این سؤالات است که اولاً، جایگاه آزادی در حقوق غرب کجاست؟ ثانیاً، نظر اسلام و همچنین فقهای معاصر به‌ویژه امام خمینی (ره) در مورد آزادی چیست؟ ثالثاً، وجوه اشتراک و افتراق دو تمدن غرب و اسلام در مورد اصل آزادی کدامند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد اصل آزادی، در هر دو نظام حقوقی به‌عنوان یکی از حقوق حیاتی بشریت محترم شمرده شده است. باین‌وجود، دیدگاه اسلام نسبت به آزادی به لحاظ اهتمام به ابعاد معنوی انسان در کنار ابعاد مادی آن، خیلی مترقی‌تر از دیدگاه حقوق بین‌الملل است که صرفاً به بعد مادی انسان توجه دارد.

واژگان کلیدی

آزادی، آزادی در حقوق بین‌الملل، آزادی در اسلام، فقهای معاصر، امام خمینی (ره).

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
maedehosyni0213@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. 4ghane@gmail.com

❖
مقدمه

حقوق بشر را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داد، یکی از این رویکردها، توجه به حقوق بشر از بُعد مبانی دینی آن است که مهم‌ترین آن موضوع آزادی است. آزادی واژه مقدسی است که تمامی ملت‌ها، اقوام و افراد بشر، طبعاً خواستار حقیقت آن بوده‌اند و برای به دست آوردن واقعی آن، همواره تلاش می‌کرده‌اند. در عین حال بشریت، با آن‌همه تکاپو و فعالیت که در طول تاریخ زندگی برای به دست آوردن «آزادی» کرده و آن‌همه خون‌هایی که در این راه ریخته شده، نتوانسته است خود را از چنگال اهریمنانه استبداد، نجات دهد و آزادی به معنی واقع کلمه را لمس کند. آزادی واژه مقدسی است که ذهن انسان از نخستین روز حیات با آن آشنایی دارد. آزادی، امیدبخش‌ترین مفهوم را متجلی می‌کند و اصولاً زندگی باید با آزادی همراه باشد. زندگی بدون آزادی، زیبایی و جاذبه و امیدآفرینی ندارد، مفهوم آزادی، همان رهایی از قیدوبندهای ناروا با کاربردهای گوناگون است. با توجه به اهمیت موضوع آزادی در ابعاد گوناگون زندگی بشری، این سؤال مطرح می‌شود که اولاً از نظر حقوق بین‌الملل و اسلام، آزادی چه معنایی دارد و اقسام آن کدام‌اند؟ ثانیاً دیدگاه فقهای معاصر به‌ویژه امام خمینی (ره) در خصوص این واژه مقدس چیست و حد و حدود آنچه قدر است؟ ثانیاً: وجوه اشتراک و افتراق دو تمدن غرب و اسلام در مورد اصل آزادی کدام‌اند؟ پاسخ به این سؤالات به تبیین دقیق‌تر موضوع آزادی در دو نظام حقوقی غرب و اسلام و تحلیل جامع آن در پرتوی فقه اسلامی می‌انجامد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. این مقاله سعی دارد در آغاز کلیاتی در مورد مفهوم آزادی مطرح کرده و سپس مفهوم آن را در حقوق غرب مورد تتبع قرار دهد و بعد به ابعاد مختلف آزادی در جهان‌بینی اسلامی و همچنین در اندیشه فقهای معاصر به‌ویژه اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته و در پایان وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را عرضه کند و نتایج پژوهش را بیان نماید.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در خصوص آزادی و ابعاد مختلف آزادی انجام گردیده است که در ادامه مطالب، برخی از آن‌ها مورد تتبع قرار خواهد گرفت.

هدف مطالعه اسلامی (۱۳۸۲) از بررسی حق آزادی، از منظر قرآن و لیبرالیسم بوده است. یافته‌ها نشان داد آزادی در اسلام مفهوم و حقیقت گسترده و ژرفی دارد که دو عرصه آزادی درونی (= منفی) و بیرونی (= مثبت و منفی) را پوشش می‌دهد و در عرصه بیرونی، گونه‌های مختلف آزادی‌های فردی، اجتماعی سیاسی و بین‌المللی را ترسیم می‌کند. چنین مفهوم فریه و غنی از آزادی را نمی‌توان در هیچ‌یک مکتب دیگری حتی لیبرالیسم که جا نمایه داعیه آن را - دست‌کم در دیدگاه جانب‌داران آن - رهایی و آزادی تشکیل می‌دهد، سراغ گرفت.

علامه جعفری (۱۳۹۰) در راستای تحقیق و تطبیق حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب به این نتیجه رسیده است که آزادی اندیشه از مشخصات اصلی دین اسلام است و برای این ادعا به وجود آیات بی‌شماری که در قرآن مجید آمده، اشاره می‌کند که انسان را امر به تدبیر و تفکر درباره واقعیات جهان هستی می‌نمایند. علامه بر این اعتقاد است که «اگر تفکر در مورد واقعیات مربوط به انسان و جهان، آزاد نمی‌بود، هرگز خداوند دستور اندیشیدن درباره آن‌ها را نمی‌داد».

عباسی (۱۳۹۱) در راستای بررسی «تعریف، حدود و انواع آزادی در حکومت دینی، از دیدگاه نهج‌البلاغه» بدین نتایج دست یافته است که در دین اسلام مقوله آزادی اهمیت فراوانی دارد. بر مبنای اسلام، از آنجا که انسان موجودی آزاد است، همواره باید حریم آزادی او حفظ گردد، لذا آزادی حق فطری هر انسانی می‌باشد و از او قابل سلب نیست.

نتایج پژوهش اسلامی، جهانگیر و کاوه پیشقدم (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر» بیانگر آن بود که در دنیای مدرن امروزی واژه آزادی در عین ساده بودن بسیار مناقشه‌برانگیز است، به طوری که نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه نمود. در مکاتب مختلف اسلامی و غیراسلامی برداشت‌های متنوعی از آن شده و هر مکتب به فراخور نگرش خود محدودیت‌هایی برای آن قائل است. بعضی از مکاتب در مبانی نظری خویش آزادی را مطلق انگاشته و برخی دیگر آن را مقید به شروطی می‌دانند.

❖ روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به هدف این تحقیق که بررسی مقوله آزادی در دو دیدگاه حقوقی غرب و اسلام و همچنین در اندیشه فقهای معاصر به‌ویژه اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد، نخست پیرامون مفهوم آزادی و در ادامه ابعاد مختلف آزادی در آن دو جهان‌بینی بررسی می‌شود و در انتها وجوه اشتراک و افتراق این اصل حیاتی در این دو سیستم حقوقی ارائه‌شده و نتایج پژوهش بیان می‌گردد.

۱- مفهوم شناسی آزادی

۱-۱- آزادی در لغت

در لغت برای آزادی معانی بسیاری بیان شده است. در فرهنگ معین آمده است، آزادی یعنی حریت، آزادگی، آزادمردی، رهایی و خلاص (معین، ۱۳۸۷: ۵۲). لغت‌نامه دهخدا آزادی را عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی و خلاص معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۷). لغت‌نامه کنسایسن آکسفورد در ذیل ماده (free) آزادی را این‌چنین تعریف می‌کند: «آزادی یعنی فارغ از اسارت دیگران، رها، نامحدود، خلاص یافته از قیود یا وظایف، بی‌مانع، نامقید در عمل، مجاز به مستقل بودن» (کرنستون، ۱۳۸۶: ۴۴).

۱-۲- آزادی در اصطلاح

معنای اصطلاحی واژه آزادی مأخوذ از معنای لغوی آن است و بر همین اساس تعاریف اصطلاحی مختلفی از آن ارائه شده است که نمی‌توان بر روی تعریفی خاص اتفاق نظر یافت، با این حال در یک تعریف ساده و فارغ از هرگونه تقید می‌توان آزادی را به فقدان مانع در راه خواسته‌های انسان تعریف کرد؛ آزادی یعنی اینکه انسان کاری را که بخواهد بتواند انجام دهد و مانعی در راه آن نباشد و قادر باشد چیزی را انتخاب کند و از چیز دیگری درگذرد (لکزایی،

۱۳۸۲: ۲۱). به عبارت دیگر، آزادی یعنی توان اعمال هرآنچه که بر دیگری ضرر نمی‌زند (نعم، ۱۳۹۶: ۵۷۰-۵۵۱). اگر بخواهیم آزادی را به یک نوع صحیح و معقولی که با بی‌بندوباری نیز مخالف باشد، تبیین کنیم، باید بگوییم: «آزادی عبارت از نبودن مانع؛ در سر راه اندیشه درست و اعمال شایسته است.» به عبارت دیگر: «آزادی حالتی است در انسان که به موجب آن شخص می‌تواند آن‌طور که اراده کند، رفتار کند و این در مواردی است که قوانین الزامی (امرونی) نداشته باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۳).

۱-۳- آزادی در اندیشه متفکرین غربی

آزادی به بیان‌های مختلفی از سوی متفکران غربی تعریف شده است: مونتسکیو در کتاب وزین روح القوانين می‌نویسد: «هیچ کلمه‌ای به اندازه آزادی، اذهان را متوجه خود نکرده است و به هیچ کلمه‌ای معانی مختلفی، مانند کلمه آزادی داده نشده است.» آنگاه معانی فراوانی برای این کلمه نقل می‌کند و در آخر کار معنی زیر را قبول می‌کند: «آزادی عبارت از این است که انسان؛ حق داشته باشد؛ هرکاری را که قانون اجازه داده، انجام دهد و آنچه قانون منع کرده است و صلاح او نیست، مجبور به انجام آن نشود» (مونتسکیو، ۱۳۵۵: ۲۹۲).

هرلد، لایسکی در کتاب «آزادی در دولت امروز» می‌نویسد: «منظور از آزادی، نبودن مانع برای اوضاع و شرایط اجتماعی است که وجود آن‌ها در تمدن امروز لازمه خوشبختی فرد است.» (مجله فردوسی، مهر ۱۳۴۶) آیزایا برلین، استاد دانشگاه آکسفورد انگلستان اظهار می‌دارد: «آزادی، واژه‌ای با معانی فراوان است و معنای اصلی آن عبارت است از: آزادی از بند و زندان، آزادی از بردگی غیر؛ باقی هر چه هست توسیع در این معنا یا معنای مجازی است» (برلین، ۱۳۹۷: ۷۱).

۱-۳-۱- اقسام آزادی در پرتو حقوق بین‌الملل

آزادی در اندیشه دانشمندان غربی دارای مصادیق فراوانی است که مهم‌ترین آن‌ها اقسام ذیل است:

۱. آزادی فردی؛ ۲. آزادی مدنی؛ ۳. آزادی سیاسی؛ ۴. آزادی مذهبی؛ حال به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

❖ ۱-۳-۱-۱ آزادی فردی

مراد از آزادی فردی این است که هم چنان که خدا انسان را آزاد آفریده و به او نعمت اراده و اختیار داده است، او حق دارد، سرنوشت زندگی اش را به دست خودش بنگارد و تحت نفوذ ستمگرایانه دیگران، قرار نداشته باشد. بدین لحاظ هیچ کس حق ندارد، روی خواهش‌ها و تمایلات نفسانی، دیگران را تحت طاعت و بندگی خود درآورد و بر جان و مال و اراده و افکار آنان مالک شود. به عبارتی دیگر؛ منظور از آزادی فردی یا اختیار نفس این است که هر فرد به طوری که بتواند از هر نقطه جهان به نقطه دیگر مسافرت کند یا نقل مکان کند و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد (آیزاک و ژول، ۱۳۴۲، ج ۲: ۲۴۵). اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی است که بر آزادی انسان‌ها تأکید کرده است. بند یک این اعلامیه می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و در کرامت و حقوق باهم برابرند؛ همه از موهبت خرد و وجدان برخوردارند و باید با هم برادروار در رفتار کنند» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

❖ ۱-۳-۱-۲ آزادی مدنی

آزادی مدنی به این معنی است که هر فردی در دایره قانون، حق هرگونه فعالیت را دارد و هیچ کس نمی‌تواند احدی را از انجام اموری که قانون برایش، جایز شمرده است، باز دارد و در امور دیگران، مداخله کند. مصادیق این نوع آزادی عبارت‌اند از: آزادی در مسکن، آزادی در اشتغال. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۳۰). آزادی‌های مدنی در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است؛ در بند ۱ ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی از ممنوعیت مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در زندگی خصوصی و اقامتگاه و مکاتبات افراد سخن گفته است (موحد، ۱۳۸۲: ۱۹۵). همچنین بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز این حق را برای کشورهای طرف میثاق به رسمیت شناخته است (موحد، ۱۳۸۲: ۱۸۱) و در ماده ۱۲ این اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «زندگی خصوصی، خانواده، خانه و مکاتبات هیچ کس نباید در معرض مداخله خودسرانه قرار گیرد و نیز نباید شرف و آبروی کسی مورد تعرض واقع شود...» (کمالان، ۱۳۸۶: ۳۳۶).

۱-۳-۱-۳- آزادی سیاسی

فرد در جامعه به واحدهای اجتماعی مختلفی وابستگی دارد و در فضاهای کاری گوناگون قرار می‌گیرد و به همین دلیل، محدودیت افکنی‌های متنوعی حق آزادی او را تهدید می‌کند. بدین رو بایستی راهکارها، مقررات و قدرت اجرایی در جامعه حاکمیت داشته باشد تا خطر استبداد را از او دور نماید. در تعریفی از آزادی چنین آمده است: «آزادی وضعی است که در آن، انسان، منقاد خواسته‌های خودکامانه و بی‌پایان هیچ مرجعی اعم از دولت، کارفرما، خویشان یا کسان دیگر نباشد. آزادی منوط به نظمی اجتماعی است که در آن قدرت‌های بزرگ دولتی یا غیردولتی در چارچوب محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده محصور باشند. وضع قوانین کار عادلانه، نمونه‌ای از کوشش‌هایی است که بر کارفرمایان محدودیت‌هایی را تحمیل می‌کند و دولت مانعی بر سر راه موانع آزادی باشد» (تیندر، ۱۳۹۴: ۱۰۶). برای آزادی سیاسی تعاریف مختلفی صورت گرفته که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم: «آزادی سیاسی عبارت است از آزادی فرد در صحنه سیاست و نبود فشار سیاسی»، (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۸۴). از منظر جان میل استوارت آزادی سیاسی آن است که در حدود قانون بتوانم هر چه می‌خواهم بکنم و در اعمال خود محکوم و تابع اراده متغیر، نامشخص و خودسر مرد دیگری نباشم (استوارت میل، ۱۳۸۸: ۱۲۶ و ۱۶۰). منتسکیو در تعریف این نوع آزادی می‌گوید: «آزادی سیاسی عبارت از امنیت یا اعتقاد به وجود امنیت است» (منتسکیو، ۱۳۵۵: ۳۳۶) و گلن تیندر معتقد است: «آزادی وضعی است که در آن انسان، منقاد خواسته‌های خودکامانه و بی‌پایان دولت نباشد» (تیندر، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

این نوع آزادی در اسناد بین‌المللی به صورت‌های ذیل مطرح شده است: در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق آمده است: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.» در بند یک ماده ۲۰ اعلامیه مقرر شده است: «هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.» بر اساس بند یک ماده ۲۱ هم هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیم و خواه با وساطت نمایندگی که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت جوید، بند ۳ همین ماده نیز

می‌گوید: «اساس و منشأ قدرت حکومت، ارادهٔ مردم است. این اراده باید به وسیلهٔ انتخاباتی ابراز شود که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۵۶-۱۵۲).

۱-۳-۱-۴- آزادی در مذهب

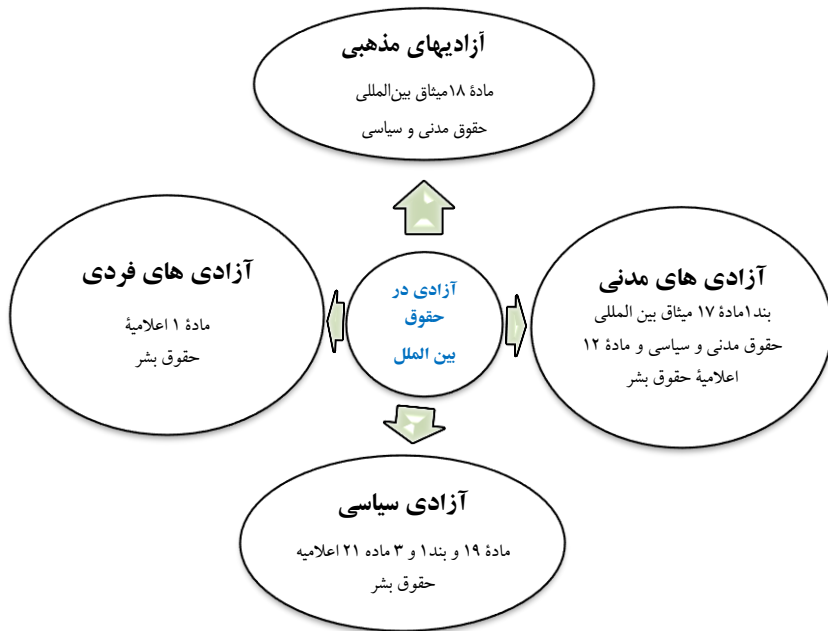
در تاریخ انسان‌ها که پیروان برخی از ادیان، به خاطر اختلافات مذهبی، رنگ صلح و آرامش را به خود ندیده و معمولاً به دلیل پاره‌ای از اختلافات به جان هم افتاده‌اند و آتش جنگ و ستیز آشتی‌ناپذیر را روشن کرده‌اند، جنایت‌های دهشتناکی که از طریق تعصبات مذهبی بین بعضی از ادیان و مذاهب، به وقوع پیوسته، گاه آن‌چنان وحشیانه و غیرانسانی است که انسان از شنیدن آن صحنه‌ها به شدت متأثر شده و رنج می‌برد. در دوران قرون وسطی که تاریخ آغاز و پایان رسمی محاکم تفتیش عقاید در اسپانیاست بدترین وضع دیده می‌شود. در این دوران آن‌گونه که به تفصیل در کتاب‌های تاریخی قید شده است. ده‌ها هزار نفر تنها به اتهام ارتداد و تخطی از دین رسمی به آتش کشیده شدند یا پس از شکنجه‌های دردناک به قتل رسیدند و اموالشان هم مصادره شد. در اسناد بین‌المللی، مادهٔ ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادی مذهبی مقرر داشته است:

۱. هرکس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی، داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور فردی یا جماعت خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد؛

۲. هیچ‌کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد؛

۳. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد...» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

بنابراین، آزادی عقیده در تمام ابعاد آن، اعم از داشتن، بیان و تبلیغ و تغییر عقیده در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به رسمت شناخته شده است.



نمودار ۱. انواع آزادی در حقوق بین‌الملل

۱-۴- آزادی در پرتو حقوق اسلامی

اسلام بر این اعتقاد است که خدا علت ایجاد و شئون وجودی انسان‌ها است و انسان و همه نعمات مادی و معنوی‌ای که در اختیار دارد مملوک اوست «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...؛ ملک و پادشاهی آسمان‌ها و زمین خاص خداست...» (سوره نور، آیه ۴۲) و از این گذشته، همه موجوداتی که برای انسان نوعی منشأ اثر دارند و در مراحل نازله علت پیدایش پاره‌ای از شئون وی می‌شوند، گونه‌ای مالکیت نسبت به برخی از شئون انسان می‌یابند. همه این مالکیت سبب ایجاد «حق» می‌شود و این «حقوق» مسئولیت‌های متعددی برعهده انسان می‌گذارد و بدین ترتیب هر فردی علاوه بر مسئولیت اساسی که در برابر پروردگار دارد، در مقابل والدین، مربیان و همه اطرافیان و همچنین همه کسانی که آرامش و امنیت زندگانی خود را مدیون زحمات و تلاش آن‌ها است، هم مسئول است.

اسلام همان‌گونه که برای همه موجودات عبودیت تکوینی قائل است، انسان را بعد تشریحی خدای متعال احتساب و در برابر او مسئول شناخته است. از این دیدگاه، آزادی در مقابل موجودات به کلی غلط است. چنین نیست که بشر در برابر خدای متعال هم آزاد باشد و بتواند هر عملی که می‌خواهد انجام دهد. عبودیت تشریحی بشر یکی از اصول و مبانی حقوق اسلامی است؛ بنابراین اصل در انسان مسئولیت است نه آزادی.^۱ (حسینی، ۱۳۹۰).

۱-۴-۱- انواع آزادی در اسلام

از نظر جهان‌بینی اسلام آزادی دارای مصادیق فراوانی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
 ۱. آزادی فرد؛ ۲. آزادی مدنی؛ ۳. آزادی سیاسی؛ ۴. آزادی مذهبی؛ در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۴-۱-۱- آزادی فردی از منظر اسلام

آزادی فردی از منظر اسلام، به‌عنوان «یک حق طبیعی» برای افراد بشر شناخته شده است و همه مردم باید در حفظ این حق بکوشند و از تضییع آن جلوگیری به‌عمل آورند. هدف از رسالت پیامبران این بوده است که مردم را به عدالت و ادار و آزادی صحیح و معقول را برای جامعه حفظ کنند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان، همراه کردیم تا مردم را به عدالت و ادار کنند.» (سوره حدید، ۲۵) موقعی که رامسس دوم فرعون مصر سوابق نعمت خود را به رخ حضرت موسی (ع) می‌کشید که تو در میان ما بزرگ شدی و ما از تو نگهداری و سرپرستی کردیم، حال این چه نمک‌ناشناسی است؟ موسی (ع) در پاسخ او، مسئله سلب آزادی مردم که فرعون موجب آن بود و برای مردم فراهم کرده و بنی‌اسرائیل را به عبودیت کشیده بود این‌طور تقبیح کرده و مورد نکوهش قرار داد: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ این چه

1. http://pajoohi.ir/_a-44859.aspx

نعمتی است که بر من، منت می‌گذاری، با آنکه فرزندان بنی‌اسرائیل را به بندگی خود، درآوردی و از آنان سلب آزادی کرده‌ای؟!» (سورهٔ شعراء، ۲۱).

اسلام، نه فقط شخص بیدادگر که مردم را تحت عبودیت خود، درمی‌آورد سزاوار توبیخ می‌داند. بلکه کسانی را که در حفظ این حق طبیعی خود، نمی‌کوشند و با دست خویش، زنجیر بندگی را به گردن خود می‌اندازند، مستوجب نکوهش و عذاب می‌داند: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا أَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» غیر از خدا، پدران روحانی و پیشوایان مذهبی شان را با مسیح؛ پسر مریم، ارباب و صاحب اختیارشان، قرار دادند و حال آنکه جز پرستیدن خدای یگانه که خدایی غیر او نیست و از آنچه با او شریک پندارند، منزّه است، دستوری نداشتند» (سورهٔ توبه، ۳۱).

حقیقتی که جای هیچ‌گونه انکار و تردید نیست، این است که: خوشبختی و بدبختی، عزت و ذلت افراد و ملت‌ها به دست خود آنهاست، خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (سورهٔ رعد، آیهٔ ۱۳) لذا امام علی (ع) در خطبهٔ «قاصعه» وقتی پیروانش را دعوت به مبارزه و جهاد و وحدت کلمه می‌کند از تاریخ گذشتگان یعنی فرزندان اسرائیل و اسحاق استشهادرگرفته می‌فرماید: فراعنه آنان را به عبودیت و بردگی گرفتند و به سخت‌ترین عذاب گرفتارشان کردند و کاسهٔ زهرآگین مشقت و بدبختی به تدریج، به آنها نوشاندند و بدین منوال، در ذلت مرگ‌آسا و زیر یوغ استعمار فراعنه بسر می‌بردند، هیچ حيله‌ای برای نجات و راهی برای دفاع، نداشتند و هنگامی که به خودشان آمدند و تصمیم گرفتند در برابر بیدادگری فراعنه مبارزه کنند و آمادگی برای مشمول عنایت خدا واقع‌شدن، پیدا کردند «آنان از گرفتاری‌های سخت، گشایش و رهایی داد و به آنها ارجمندی و آسودگی عطا فرمود و به آنها عزت و آقایی داده شد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۴) «الْأَنسُ كُلُّهُمْ أَحْرَارٌ إِلَّا مَنْ أَقْرَأَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعُبُودِيَّةِ؛ تمام مردم، آزاد آفریده شده‌اند، مگر کسانی که از روی اختیار بردگی را برای خود پذیرفته‌اند» (الحر العاملی، ۱۴۱۴ ق: ۲۴۳).

۱-۴-۱-۲- آزادی مدنی در اسلام

آزادی یکی از بزرگترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است که انسان را از موجودات دیگر امتیاز می‌بخشد. آزادی برای بشر، ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. انسان‌هایی که دارای شخصیت انسانی‌اند، حاضرند در سخت‌ترین شرایط زندگی کنند، ولی در اسارت انسان دیگری نباشند و آزاد زندگی کنند (ورعی، ۱۳۹۶: ۱۲۴-۱۲۳). یکی دیگر از انواع آزادی‌ها در اسلام، آزادی مدنی است. آزادی‌های مدنی شامل آزادی در انتخاب مسکن و محل اقامت، آزادی در انتخاب شغل و آزادی در تملک اموال منقول و غیرمنقول می‌شود. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله) می‌فرماید: «البلاد بلاد الله و العباد عباد الله فحيثما اصبتم خيرا فاقم؛ همه سرزمین‌ها متعلق به خداست و بندگان نیز بندگان اویند، پس هر کجا موجب خیر و سعادت شما است اقامت کنید» (نهج الفصاحه، ۲۲۳). بند «ج» ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز به حرمت مسکن افراد تأکید کرده و هرگونه تفتیش و تحت نظرگرفتن مسکن و سایر شئون فرد را ممنوع اعلام کرده است در بند «د» با تأکید بیشتری آمده است که: «احترام مسکن در حال محفوظ است و داخل شدن در آن بدون اجازه اهل آن و یا به هر صورت غیر مشروع جایز نیست و خراب کردن مسکن و مصادره و فراری دادن اهل مسکن از آن جایز نیست مگر با مجوز شرعی» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۱۲).

آزادی مشاغل و کسب نیز از دیدگاه اسلام محترم شمرده شده و خداوند در زمین منابع کسب و تغذیه را قرار داده: *وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛* و همانا ما شما را در زمین توانایی و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی مقرر داشتیم. (سوره اعراف، آیه ۱۰) آزادی در تملک اموال نیز از نظر اسلام محترم شمرده شده است. هرگاه کسی مال را از راه درست به دست آورد، متعلق به همان شخص است و کسی حق تصرف در آن را ندارد قرآن فرموده: *«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛* برای مردان از آنچه اکتساب نموده‌اند منفعتی است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند سودی است.» (سوره نساء، ۳۲).

۱-۴-۱-۳- آزادی سیاسی از دیدگاه اسلام

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...» (سوره حجرات، ۱۳) این آیه شریفه به صراحت اعلام می‌کند که همه اعم از سیاه‌وسفید، فقیر و غنی، آنکه حسب و نسب دارد و آنکه ندارد همه و همه مخلوق خدایند و خداوند است که زمین و آسمان و تمامی موجودات، آفریده و در ملک و قدرت او هستند، فرمان و حکمتش در حق هم یکسان، نافذ و جاری است، منتهی در مقام بندگی و اطاعت از فرمان حق، عده‌ای به‌وسیله تقوی و پرهیزکاری گوی سبقت را از یکدیگر ربوده و مقرب درگاه حق شده‌اند؛ بنابراین کشور اسلامی مال همه مردم است و همه آحاد ملت، در پی‌ریزی تشکیلات سیاسی و اجتماعی آن سهیم‌اند و باب تصدی مناصب اداری و غیره بر روی همه باز خواهد بود. پیامبر (ص) می‌فرماید: «با هم برابرگردید تا دل‌هایتان برابر شود؛ و به هم دست دهید تا مهر ورزید.» (نهج الفصاحه، حکمت ۲۸۹: ۷۳) امام علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ؛ هَانِ أَيُّ مَرْدَمَانِ! پَدْر شَمَا آدَم، مَرْد يَازَن بَرْدَه مَتَوْلِد نَكْرَد، هَمَّة انْسَانِهَآ آزَادَنَد.» (مجلسی، ۱۳۹۶: ۱۳۳) باز از آن حضرت، نقل است که پس از مرگ عثمان در زمان بیعت مسلمانان با ایشان، فرمود: «وَلَا تَكُونُ بَيْعَتِي إِلَّا عَنْ رِضَى الْمُسْلِمِينَ؛ بَيْعَتِ مَنْ، جِز بَا رِضَا وَخَشْنَوْدَى مَسْلَمَانَانِ نَبُود» (طبری، ۱۳۶۲: ۱۵۲).

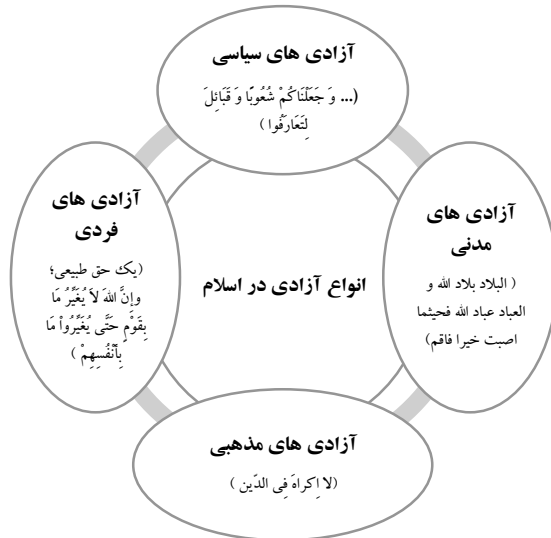
۱-۴-۱-۴- آزادی مذهبی در اسلام

در این‌که اسلام دین توحید است، بحثی نیست، از نظر اسلام بت‌پرستی و شرک و کفر در شأن انسان نیست و خداوند نیز شرک و کفر را از انسان نمی‌پذیرد و افراد مشرک را نمی‌بخشد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ...» (سوره نساء، ۱۱۶) در عین حال قرآن کریم آکنده از آیاتی است که انسان را به تعقل، تفکر، آزاد اندیشی، دوری از تعصب و تقلید کورکورانه و پذیرش عقیده صحیح با استدلال و برهان دعوت می‌کند. دین اسلام بر همزیستی مسالمت‌آمیز مذهبی اعتقاد دارد. بررسی تاریخ اسلام به‌خوبی نشان می‌دهد اسلام، به پیروان مذاهب آسمانی، حرمت خاصی قائل بوده و کوچک‌ترین اهانت و تحقیر را نسبت به آن‌ها روا نمی‌دارد، دولت

اسلامی خود را مکلف می‌داند که در قلمرو حکومت خود از آنان حمایت کرده و امکانات رفاه، آسایش و امنیت آنان را به نحو شایسته‌ای تأمین نماید.

اسلام بر اساس عقیده و عدم اکراه در دین، هیچ‌گاه محکمه تفتیش عقاید تأسیس نکرده و در هیچ زمان بنا نداشته عقاید دینی را بر دیگران تحمیل کند. (حیدری نراقی، ۱۳۸۶: ۶۰۱). آنچه مسلم است هیچ اجباری برای پذیرفتن دین مبین اسلام بر کسی نیست (عطایی اصفهانی ۱۳۹۱: ۴۶) به طوری که در قرآن مجید آمده است: «لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ دین اکراه و اجبار نیست، زیرا راه سعادت و کمال، از گمراهی باز شناخته شده است.» (سوره بقره، ۲۵۶) همچنین قرآن می‌فرماید: «لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا؛ ای پیامبر اگر پروردگارت بخواهد، همگی مردم روی زمین، ایمان می‌آورند، آیا تو برای آنکه مردم، ایمان بیاورند می‌خواهی آنان را مجبور کنی؟» (سوره یونس، ۹۹) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من به دین و آئینی ساده و آسان برانگیخته شده‌ام و هرکس با روش من مخالفت کند از من نیست.» (نهج الفصاحه، حکمت ۱۰۹۲: ۲۰۲) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «انسان‌ها دودسته‌اند، یا برادر دینی تواند و یا در آفرینش با تو یکسان‌اند.» (نهج البلاغه،

نامه ۵۳)



نمودار ۲. انواع آزادی در اسلام

۱-۴-۲- آزادی در اندیشهٔ فقهای معاصر

علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «عمر «کلمهٔ آزادی» با این معنایی که از آن اراده می‌شود، از چند قرن گذشته تجاوز نمی‌کند که بر سر زبان‌ها افتاده است و گویا علت اختراع این کلمه، نهضت تمدن اروپاست که از چند قرن پیش شروع شده است، ولی «معنای» آزادی از زمان‌های گذشته در ذهن‌ها جولان داشته و به صورت یک آرمان و آرزو در دل بوده است. اصل طبیعی و تکوینی‌ای که این معنا از آن ناشی می‌شود، این است که آدمی در وجود خود مجهز به «اراده» است و اراده، آدمی را وادار به عمل می‌کند و حالتی نفسانی است که از بین رفتن آن مساوی با از بین رفتن حس و شعور و از بین رفتن اصل انسانیت است. ولی چون انسان یک موجود اجتماعی است، طبیعتش، او را به زندگانی در جامعه سوق می‌دهد و ملزم است که هم‌رنگ جماعت شود؛ یعنی اراده و کارش را در اراده و کار دیگران دخالت دهد؛ و بنابراین باید در برابر قانونی که حدودی برای اراده‌ها و افعال مردم معین و آن‌ها را تعدیل کرده است، خضوع کند. پس همان طبیعتی که به یک انسان آزادی مطلق داده که هر چه بخواهد بکند، همان طبیعت، اراده و عمل را محدود و رهایی و آزادی اولیه را مقید می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱).

یکی دیگر از فیلسوفان اسلامی معاصر که به طرح مفهوم آزادی و اقسام آن پرداخته، محمدتقی جعفری است (میر احمدی، ۱۳۸۱: ۶۷). ایشان با پرداخت مفصل به تفاوت تلقی از آزادی در اسلام و غرب، ضمن رد «آزادی مطلق» که در سنت فکری غرب جریان داشته و دارد، قائل به لزوم اعتقاد به «آزادی مقید» یا همان «آزادی مسئولانه» می‌باشد. در اندیشهٔ علامه اگر اصل آزادی به این صورت مطرح شود که «بدون آن‌که مزاحم دیگران شوی، هرکاری را که می‌خواهی انجام بده». قابل نقد است زیرا در صورتی که خواسته‌های انسان کنترل نشود، قید «عدم مزاحمت به حقوق دیگران» هم هیچ اثری در تحدید آزادی بشر نخواهد داشت؛ زیرا کسانی که از درون فاسد می‌شوند، هرگز نمی‌توانند برای دیگران حق حیات، کرامت و آزادی قائل شوند؛ زیرا برای آن‌ها اساساً مفاهیمی همچون حق حیات، کرامت و آزادی مطرح نیست. از این جهت علامه، مخالف آزادی مطلق رفتار که عقل و نیروهای مؤثر در تکامل بشر را سرکوب می‌کند، می‌باشد. در نگاه استاد جعفری آزادی رفتار به دو نوع آزادی رفتار معقول و آزادی رفتار نامعقول تقسیم می‌شود. اگر رفتار انسان به اصل قانون و ارادهٔ برانگیخته از تمایلات طبیعی قانونی مستند

باشد آزادی در چنین رفتاری معقول است و در غیر این صورت نامعقول می‌باشد. (جعفری، ۱۳۵۸: ۴۲۹). آیت‌الله مصباح یزدی در مورد اصل آزادی می‌گوید: «از آنجاکه ارزش کمال انسان به اختیاری بودن آن است، فعالیت‌های انسان هراندازه از روی اختیار باشد، بهتر می‌تواند در جهت استکمال واقع شود. از این رو، در اداره و تدبیر جامعه، باید در حد امکان، افراد در انجام وظایف خود آزاد باشند. حتی اقداماتی که ضروری به نظر می‌رسد، نخست باید به صورت پیشنهاد ارائه گردد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۸۱).

آیت‌الله مطهری در این خصوص می‌گوید: «اسلام درباره آزادی به‌عنوان یک ارزش از ارزش‌های بشری اعتراف کرده است اما نه ارزش منحصر به فرد و نه آزادی با آن تعبیرهای ساختگی، بلکه آزادی به معنی واقعی.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۵۰) استاد در جای دیگر می‌گوید: «هر موجود زنده‌ای که می‌خواهد راه رشد و تکامل را طی کند، یکی از احتیاجاتش آزادی است و انسان‌های آزاد انسان‌هایی هستند که با موانعی که در جلوی رشد و تکاملشان هست مبارزه می‌کنند. انسان‌هایی هستند که تن به وجود مانع نمی‌دهند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۶).

در اندیشه استاد مطهری آزادی ابراز عقیده و بیان آن، متکی به این است که فکر خودمان را، یعنی آنچه را واقعاً به آن معتقد هستیم، بگوییم. استاد بر این باور است که «از نظر اسلام، تفکر آزاد است، شما هر طور که می‌خواهید بیندیشید، ببندیشید، هر طور که می‌خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید - به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد - ابراز کنید، هر طور که می‌خواهید بنویسید، بنویسید، هیچ‌کس ممانعتی نخواهد کرد» (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۳).

استاد مرتضی مطهری در بیانی دیگر از آزادی می‌گوید: «آزادی و دموکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آنکه این واژه در قاموس غرب حیوانیت رها شده را متضمن است.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۲) «آزادی یعنی اینکه انسان رها باشد از قید و بندهایی که جلوی رشد و تکامل و فعالیت‌های او به سوی کمال را می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۰۶).

آیت‌الله سید محمدحسینی بهشتی در مورد جایگاه آزادی در اسلام می‌گوید: «اسلام، آزادی انسان را به‌عنوان نقطه قوت آفرینش انسان می‌شناسد و انسان گوهر تابناک هستی است. بدان جهت که آزاد و آگاه آفریده شده است. بسیاری از تدابیر اسلام در نظام‌های سیاسی و اجتماعی در حقیقت برای از بین بردن عوامل ضد آزادی است» (اردشیری، ۱۳۹۰: ۲۰۸). ایشان در جای

دیگر می‌گوید: «از همان اول که پیغمبر آمد، منادی آزادی، منادی مساوات و برابری بود و این مسئله در موفقیت اسلام خیلی مؤثر بوده است. آزادی از دیدگاه اسلام در درجه اول، آزاد شدن انسان از بندگی است» (اردشیری، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در سخنرانی مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ خود، در مورد اصل آزادی فرمودند: «ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی جهان‌بینی توحیدی است. اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند. در دعوت انبیاء، اول از خدا آن‌ها را می‌ترساند بعد از امر به اطاعت از خدا، به مردم پیشنهاد می‌کند که «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» از طاغوت و کسانی که غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند اجتناب کنید. آزادی اسلامی بنابراین متکی بر توحید است» (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۹-۳۰). آن حضرت در سخنرانی مورخ ۱۳۸۱/۰۳/۱۴ هم فرمودند: «آزادی در نظام اسلامی را با آزادی غربی - که به معنای مهارگسیختگی صاحبان قدرت و سرمایه و همچنین به معنای بی‌بندوباری انسان‌ها در هرگونه رفتار و عمل است - نباید اشتباه کرد. این آزادی اسلامی است، هم آزادی اجتماعی دارد، هم آزادی معنوی است و هم آزادی فردی با قید اسلامی و بافهم و هدایت و تعریف اسلام است» (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۹-۳۰).

آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگر می‌فرمایند: «مفهوم آزاد بودن انسان، قرن‌ها پیش از آنکه در اروپا مطرح بشود، در اسلام مطرح شد و قرن‌ها پیش از آنکه متفکرین و روشنفکران و انقلابیون و رهبران اروپائی به فکر بیفتند که آزادی بشر را یکی از حقوق اساسی بشر بدانند، این در اسلام مطرح شده است» (سخنرانی مورخ ۱۳۶۵/۰۹/۱۴).

۱-۴-۲-۱- آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)

در اندیشه امام خمینی (ره) آزادی، حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او عطا شده است. آزادی موهبت الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی است که به انسان داده شده است بنابراین آن امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است. البته هر نوع آزادی از منظر آن حضرت در محدوده قوانین الهی و

آموزه‌های دینی محترم شمرده شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «آزادی در حدود اسلام است در حدود قانون است؛ تخلف از قانون نشود به خیال اینکه آزادی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۵۰: ۹). در ادامه به انواع و اقسام آزادی در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

۱-۴-۲-۱- آزادی‌های فردی در اندیشه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) برای حریم شخصی افراد حرمت قائل بوده بر این اعتقاد بودند که هیچ‌کس حق دخالت در مسائل خصوصی افراد را ندارد. فرمان هشت ماده‌ای آن حضرت که در سال ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها، صادر شد، در واقع منشور آزادی‌های انسان در حریم شخصی است. او در این فرمان می‌فرماید:

«هیچ‌کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید. هرچند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

- هیچ‌کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن‌هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی.

- هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۷: ۱۴۳-۱۳۹).

۱-۴-۲-۱-۲- آزادی‌های مدنی در اندیشه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) آزادی‌های مدنی افراد را نیز مورد اهتمام قرار داده است. آن حضرت، در این زمینه می‌فرماید: «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۰: ۹۴) در این فرمایش حضرت امام به آزادی مسکن و آزادی شغل افراد تأکید شده که هرکس در انتخاب محل سکونت و انتخاب شغل و کسب آزاد است و احدی حق ندارد این آزادی‌ها را از افراد سلب و یا محدود نماید.

۱-۴-۲-۱-۱- آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)

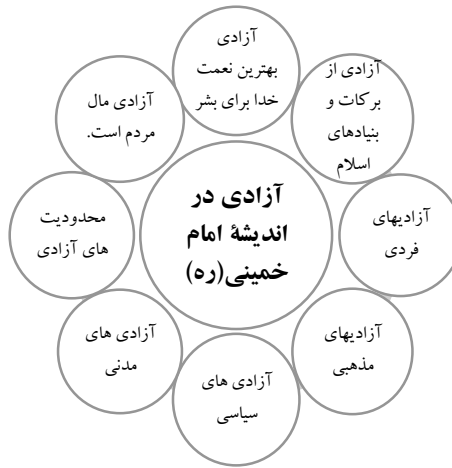
امام خمینی (ره) آزادی‌های سیاسی را از اساسی‌ترین حقوق یک انسان به شمار آورده‌اند و بر این اعتقادند که انسان‌ها حق دخالت در تعیین سرنوشت خود را دارا بوده و در این باره پاسخگوی کارهایی هستند که انجام می‌دهند. مردم نمی‌توانند در مورد اینکه چه کسی بر آنان حکمرانی می‌کند و فرمان می‌راند، سکوت کنند و از کنار آن بی‌تفاوت بگذرند. انسان جانشین خدا در زمین است و به همان اندازه که حق دارد، تکلیف و مسؤولیت نیز دارد. یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی مردم در جامعه، حق تعیین سرنوشت است. این حق، از جمله حقوقی است که قانون اساسی بسیاری از کشورها آن را برای مردم به رسمیت شناخته است و مردم بر اساس آن، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی دخالت کرده و در سرنوشت خود، تأثیرگذار باشند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم می‌باشد که به موجب آن، هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۳: ۲۰۴). در اندیشه سیاسی آن حضرت، اظهار عقیده و آزادی بیان برای کلیه افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی مجاز است و این تجویز اختصاصی به طرفداران نظام اسلامی ندارد.

۱-۴-۲-۱-۳- آزادی‌های مذهبی در منظر امام خمینی (ره)

آزادی مذهب و عقیده برای ادیان توحیدی به‌عنوان سؤال اساسی در واپسین روزهای انقلاب اسلامی مطرح بود و بارها از حضرت امام (ره) در این باره سؤال می‌شد (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۳۱۹). از نظر ایشان، اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرایض مذهبی را دارند و می‌توانند به‌طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. آن حضرت، درباره این موضوع می‌گوید: «تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۶: ۹۸).

از منظر امام خمینی (ره) اقلیت‌های مذهبی می‌توانند اظهار عقیده کنند، اما نباید از این آزادی عقیده سوءاستفاده نمایند. از دیدگاه آن حضرت، وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی است. حکومت اسلامی باید از حقوق آنان همچون سایر شهروندان دفاع کند. امام خمینی (ره) در این باره می‌گوید: «اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند؛ بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۳: ۷۵).

در اندیشه آن حضرت، حقوق اجتماعی بر اساس مذهب، در جامعه توزیع نمی‌شود: «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۳: ۱۵۹).



نمودار ۳. آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)

۱-۵-۰ وجه افتراق و اشتراک

۱-۵-۱- وجه اشتراک

وجه اشتراک دو تمدن غرب و اسلام در مورد اصل آزادی این است که هر دو نظام حقوقی، این نوع حق را به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها به رسمیت شناخته‌اند و آزادی‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله؛ آزادی‌های فردی؛ آزادی‌های مدنی؛ آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های مذهبی را مقرر داشته‌اند. هرچند در این بین تفاوت‌های اندکی هم وجود دارد، اما در هر دو سیستم حق آزادی، مورد تکریم واقع شده است.

۱-۵-۲- وجه افتراق

علیرغم اینکه دو نظام حقوق بین‌الملل اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر اصل آزادی را مورد پذیرش قرار داده‌اند اما تفاوت‌هایی زیر به شرح زیر در رابطه با آن اصل دارند:

- مهم‌ترین وجه افتراق، دیدگاه غربی و اسلامی در مورد اصل آزادی را می‌توان در اختلاف در سرچشمه آن دو دیدگاه جستجو کرد. آزادی در منظر غربی برخاسته از نگرش‌های اومانیستی، سکولاریستی و لیبرالیستی حاکم بر آن است و فلسفه آزادی آن‌ها اصالت انسان و خواسته‌های

اوست، درحالی که در اندیشه اسلامی سر منشأ آزادی جهان‌بینی توحیدی است. در مفهوم آزادی اسلامی، آزادی بشر در بعد تشریعی است و این آزادی سرمایه‌گران قدری است که خداوند به انسان عطا کرده است (حیدری نراقی، ۱۳۸۶: ۲۶). به دیگر سخن آزادی در اسلام خدامحور و تکلیف‌مدار است؛ انسان باید فقط از خداوند اطاعت کرده، به دستورات او عمل نماید و نظامی را بپذیرد که قانون و حاکمان آن از سوی خداوند تعیین شده باشند؛ اما در آزادی غربی بُعد الهی و فطرت خدایی انسان مغفول مانده است.

- وجه دیگر افتراق آزادی اسلام و غرب این است که در نگرش اسلامی، انسان موجودی بااستعدادهای بسیار است که با بندگی خدا و انجام تکالیف الهی، کرامت و ارزش پیدا می‌کند و مسیر کمال را بالا می‌رود. اما آزادی مدنظر غرب، نفی تکلیف و آزادی از بندگی خدا، انسان را اسیر نفس و پیرو شیطان می‌کند.

- وجه افتراق سوم این است که در دین اسلام آزادی فقط رهایی از قیدوبندهای خارج از وجود انسان و رفع موانعی بیرونی او نیست، بلکه رفع موانع درونی هم بزرگ‌ترین آزادی‌هاست؛ اما آزادی غربی فقط به رفع قیدوبندهای خارج از وجود انسان می‌پردازد و با این عمل، در حقیقت زمینه بردگی انسان‌ها را با دامن زدن به تمایلات و هوس‌ها و آزاد گذاشتن آن‌ها فراهم کرده، راه ضلالت و بدبختی آن‌ها را هموار می‌سازد.



نمودار ۴. وجوه اشتراك و افتراق آزادی در اسلام و غرب

نتیجه‌گیری:

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که «اصل آزادی»، هم در حقوق اسلامی و هم در حقوق بین‌الملل، به‌عنوان یکی از حقوق حیاتی بشریت موردقبول و محترم شمرده می‌شود. آزادی اسلامی در مقابل آزادی غربی، از موهبت‌های الهی است که بر اساس توحید و عبودیت خدا بنا نهاده شده و همراه با تکلیف‌مداری و مسئولیت‌پذیری، برطرف‌کننده قیدوبندهای بیرونی و درونی انسان و مسدودکننده راه بدبختی بوده و تسهیل‌کننده مسیرکمال والای بشری است. اسلام در بحث آزادی بر جنبه معنوی انسان تأکید دارد و معتقد است که تحدید شدن صرف به بعد مادی و فراموشی بعد معنوی انسان در جوامع غربی باعث تعریف این موهبت الهی به آزادی بدون هیچ قید و شرط و بی‌حدومرز شده است و این امر موجب نادیده گرفته شدن و پایمال حقوق دیگران گردیده است. به دیگر سخن، اندیشه اسلامی آزادی را وسیله‌ای برای نیل به هدفی والاتر می‌داند اما حقوق غرب آزادی را به‌عنوان وسیله نمی‌نگرد بلکه آن را به‌عنوان هدف نهایی در نظر گرفته است. به استناد منابع فقهی، اسلام به آزادی عقیده و اندیشه تأکید فراوان دارد، به این جهت که از یک طرف انتخاب عقیده به‌دوراز اجبار و اکراه، در فضایی آزاد میسر است و از طرفی دیگر، ارائه اندیشه منطقی و عرضه برهان قوی، در فضای آزاد و موقع وجود آزادی بیان امکان‌پذیر می‌باشد. فقهای معاصر از جمله امام خمینی (ره) نیز ضمن پذیرش ابعاد مختلف آزادی معتقدند آزادی عطیه‌ای الهی است و اسلام آن را امری فطری و حقی واجب برای مردم می‌داند که در صورت بهره‌مندی افراد از آن، باعث رشد و پیشرفت هر چه بیشتر جامعه خواهد شد. امام خمینی (ره) یکی از بنیادهای دین مبین اسلام را آزادی می‌داند و انسان‌های واقعی و ملت مسلمان را نیز فطرتاً یک انسان آزادشده برمی‌شمارد. آن حضرت در این مورد می‌فرماید: «آزادی بهترین نعمتی است که خدا برای بشر قرار داده است.» در اندیشه امام خمینی (ره) محدوده‌ای نیز برای آزادی مشخص شده است، ایشان حدود آزادی را قوانین و مقررات الهی و احکام شریعت اسلام می‌داند. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: «آزادی در (اسلام) در حدود اسلام است، در حدود قانون است، تخلف از قانون نشود به خیال اینکه آزادی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۹: ۱۵۰).

بر اساس آنچه تاکنون بیان گردید می‌توان ادعا کرد که دیدگاه اسلام نسبت به آزادی به لحاظ اهتمام به ابعاد معنوی انسان در کنار ابعاد مادی آن، خیلی مترقی‌تر از دیدگاه حقوق بین‌الملل معاصر است که صرفاً به بعد مادی انسان توجه دارد.

منابع و مآخذ:

- قرآن مجید
- پیامبر اکرم (ص) (۱۳۸۵). *نهج الفصاحه*، ترجمه علی کرمی فریدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات حلم.
- امام علی (ع) (۱۳۸۵). *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، چاپ ششم، قم، انتشارات قدس.
- اردشیری، حسن (۱۳۹۰). *گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه بوستان کتاب.
- استوارت میل، جان (۱۳۸۸). *آزادی فرد و قدرت دولت*، ترجمه محمود صناعی، تهران، انتشارات گوهرخانی.
- اسلامی، هاشم (۱۳۸۲). *حق آزادی*، از منظر قرآن و لیبرالیسم، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۳۵ و ۳۶، ویژه‌نامه قرآن و حقوق، ۱۳۶-۱۵۹.
- اسلامی، علی، جهانگیر، زهرا و کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۴۰۰). *بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر*، *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰(۴۵)، ۹۵-۱۲۳.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق). *وسایل الشیعه*، جلد ۳، قم، انتشارات آل‌البیت.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۲). *مبانی آزادی و الزامات آن در عرصه سیاسی*، با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۲)، ۹-۳۰.
- برلین، آیزایا (۱۳۹۷). *آزادی و خیانت به آزادی: شش دشمن آزادی بشر*، چاپ پنجم، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات ماهی.
- تیندر، گلن (۱۳۹۴). *تفکر سیاسی*، ترجمه محمود صدری، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۸). *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، جلد ۱، تهران، دفتر فرهنگ و نشر اسلامی.
- جعفری تیریزی، محمدتقی (۱۳۷۰). *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر*، تهران، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ ششم، تهران، گنج دانش.

حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۶). *رساله حقوق امام سجاد (ع)*، چاپ هفتم، قم، انتشارات مهدی نراقی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱). *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه: محمدجواد حاجتی کرمانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*، جلد ۴، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر.

عباس‌نژاد، محسن و همکاران (۱۳۸۵). *قرآن و حقوق*، چاپ اول، مشهد، مؤسسه انتشاراتی بنیاد

پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

عباسی، فرهاد (۱۳۹۱). *تعریف، حدود و انواع آزادی در حکومت دینی*، از دیدگاه نهج‌البلاغه، *مطالعات*

حقوق بشر اسلامی، ۱(۲)، ۹۹-۱۲۰.

عطایی اصفهانی، محمدعباس (۱۳۹۱). *آزادی و حقوق بشر*، چاپ سوم، قم، انتشارات حضرت عباس.

قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷). *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک

ریاست جمهوری.

کرنستون، موریس (۱۳۸۶). *تحلیلی نوین از آزادی*، ترجمه اعلم، امیر جلال‌الدین، چاپ چهارم، تهران،

نشر امیرکبیر.

کمالان، سید مهدی، (۱۳۸۶). *منشور سازمان ملل متحد*، تهران، انتشارات کمالان.

لک‌زایی، شریف (۱۳۸۲). *آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی*، قم، بوستان کتاب.

ماله، آلبر و ژول ایزاک (۱۳۶۲). *تاریخ قرون جدید*، ترجمه فخرالدین شادمان، جلد ۲، تهران، نشر ابن‌سینا.

مجلسی، محمدتقی (۱۳۹۶). *بحارالانوار*، جلد ۳۲، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامیة.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *انسان کامل*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *آزادی معنوی*، تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *آینده انقلاب اسلام*، تهران، انتشارات نشر صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). *پانزده گفتار*، تهران، چاپ بیست و پنجم، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ نما.
- منتسکیو، شارل دو (۱۳۹۶). *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ چهاردهم، تهران، امیرکبیر.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۲). *در خانه اگر کس است، همراه اعلامیه جهانی حقوق بشر*، تهران، نشر کارنامه.
- میر احمدی، منصور (۱۳۸۱). *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- نعم، مختار (۱۳۹۶). *تزاحم آزادی قراردادی و حق مصرف، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۷(۳)، ۵۷۰-۵۵۱.
- <http://pajoohi.ir/a-44859.aspx>
- ورعی، سیدجواد (۱۳۹۶). *درسنامه فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.